

ماده بیست و سوم اعلامیه حقوق بشر هر کس حق دارد کار کند و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد .

حمایت بیکاران

* مشکل دیگر

* محیطی که دین بوجود می‌آورد

* وظیفه دولت اسلامی

* وظیفه ملت چیست ؟

مکانیزه شدن زندگی و پیشرفت روز افزون اختراعات و صنعت همانطوریکه توانسته از راه تقلیل ساعات کار و افزایش درآمد ، نشاط بیشتر و زندگی سعادت‌مندانه تری را از جهتی برای جامعه پدید آورد انتظار آن می‌رفت که بتواند مشکلات و بحرانهای دیگر اجتماعی و اقتصادی را نیز یکی پس از دیگری رفع کرده بشریت را از اینگونه بدبختیها و گرفتاریها نجات بخشد ولی متأسفانه نه تنها نتوانست این مشکلات و بحرانهای خطرناک را رفع کند بلکه انواع بیمدالنیها و بحرانها را بدنبال آورده جوامع بشری را در مراحل خطرناک تازه‌ای وارد ساخته است !

* که در خور عالم ما و راه طبیعت است بکار بریم ، مثلاً وقتی میخواهیم بگوئیم خداوند از تمام گفتگوها و صداها با خبر است چاره‌ای نداریم جز اینکه بگوئیم خداوند هر سخنی را میشنود ، در اینجا منظور از کلمه شنیدن ، شنیدن با گوش نیست ؛ بلکه با خبر بودن از تمام سخنان است ، همچنین در مورد دیدن و امثال آن منظور همان نتیجه دیدن و مانند آنست .

بنابراین اگر گفته شود خداوند زیبا است منظور زیبایی جسمی نیست بلکه منظور کمال واقعی است زیرا خداوند وجودی است که تمام کمالاتی را که بتصور ما بیاید نیاید داراست ، البته چنین وجودی زیباست . همچنین منظور از ملاقات خداوند در جهان دیگر ملاقات و دیدار خداوند نیست بلکه مشاهده آثار حکومت و قدرت و عدالت او یعنی مزد و ثواب و مجازات و عقاب کارهاست که همه نشانه‌های وجود او و آثار صفات او میباشد و ملاقات اینها بمنزله ملاقات خداوند شمرده شده است ، حتی در بعضی از کلمات بزرگان دین دیده میشود که میفرمودند ما خدا را در این جهان در همه چیز می‌بینیم (یعنی آثار عظمت و قدرت و علم او) چنانکه از امیر مؤمنان (ع) نقل شده : ما رأیت شیئاً الا رأیت الله قبله و بعده و معه .

بشر اکنون در دنیائی زندگی میکند که از هر سو مشکلات و گرفتاریها او را تهدید میکند، از یکطرف بحران فساداخلاق که افکار دانشمندان و خیر خواهان را بخود متوجه ساخته و برای مبارزه با آن قدمهایی برمی دارند و با انتشار کتابها و مجلات؛ مردم را از هواقب سوء وضع فعلی بر حذر میدارند.

و از سوی دیگر مشکلات سیاسی و بحرانهای بین المللی که آرامش را اردلها سلب کرده اضطراب و نا امنی را جایگزین آن ساخته هر لحظه بیم آن می رود که سران دول بزرگ و ناخدايان كشتی سیاست بین المللی بشریت را در طوفان جنگ جهانی سوم غرق نمایند.

و از جانب سوم بحران اقتصادی و مالی است که شاید آثار شوم آن بیش از سایر مشکلات و بحرانهای اجتماعی باشد.

واقماً جای بسی تأسف است در قرنیه که بقول بعضیها بشریت توانسته با استخراج معادن و پیشرفت و توسعه اقتصاد قدم بزرگی بطرف خوشبختی و رفاه بردارد همچنان فقر و بی کاری مردم را رنج میدهد و پشت افراد زیادی زیر بار فقر و بیکاری خم است و چه بسا کسانی هم هستند که نمیتوانند گریبان خود را از چنگال مرگ و هلاکت که از راه فقر و تهیدستی دامنگیر آنها میشود، نجات بخشند.

کدام بحران از این شدیدتر است که اکنون در دنیا طبق گزارش خبرگزاریهای رسمی يك میلیارد و پانصد میلیون نفر از سکنه زمین از گرسنگی رنج میبرند و تنها در بنگال، در اثر قحطی سه میلیون نفر از پادر آمده اند (۱)؛ و باز طبق گزارش سازمان اقتصادی ملل متحد و کنفرانس پیشرفتهای اقتصادی در واشنگتن در سال ۱۹۵۴ شش میلیون کودک بر اثر گرسنگی در سراسر جهان در گذشته (۲) و در سال ۱۹۶۰ هفتاد و هفت میلیون نفر از مردم آمریکا در فقر یا محرومیت زندگی کرده و آمار بیکاران آنجا اکنون در حدود ۷ میلیون نفر میباشد! (۳)

و در شورای عالی انجمنهای محلی کشور ما نیز گفته شد: «بیکاری جوانان ما را تهدید می کند» (۴)

بنابراین افزایش حجم طبقه بیکار و بینوایی از مشکلات و بحرانهای خطرناکی است که لازم است بشریت برای رفع آن قیام کند و با فراهم ساختن وسائل لازم در حمایت بیکاران بکوشد.

محیطی که دین بوجود میآورد

گرچه ما قلم را در سد بیان حقیقت دین و توضیح برنامه های اجتماعی و اقتصادی آن نیستیم ولی نظر باینکه قوانین و دستورات عملیائیکه اسلام برای خوب زیستن جامعه انسانی آورده

(۱) اسلام و مشکلات اقتصادی (چاپ تبریز) ص ۴۸ (۲) سپیدوسیاه شماره ۳۸۷ (۳)

اسلام و مشکلات اقتصادی ص ۱۱۶ (۴) اطلاعات شماره ۱۷۲۷۱۷

مانند حلقات زنجیر بهم پیوسته است و مطالعه و بررسی در موضوع واحد آن بدون در نظر داشتن سایر قوانین آن ممکن و صحیح نیست و بایستی بایک مطالعه عمیق و جامع الاطراف به برنامه‌های آن نگریست از اینجهت در موضوع «حمایت بیکاران از نظر اسلام» نیز لازم است اجماع این معنی را در نظر داشته باشیم: محیطی را که دین بوجود می‌آورد تمام انگیزه‌های درونی و عوامل و نیازمندیهای بشری در یک نظام معین و عادلانه‌ای پایه‌ریزی میشود که چنانچه قوانین مالی و اقتصادی آن بموازات سایر برنامه‌های اصلاحی بمورد اجراء درآید در اینصورت بدون شك در سرتاسر مملکت اسلامی شخصی بنام فقیر و بیکار وجود نخواهد داشت چنان که تاریخ نشان میدهد در زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز یحیی بن سعید میگوید «خلیفه مرا برای جمع آوری زکات با فریقا فرستاد بعد از آنکه زکوة را جمع آوری کردم هر چند جستجو نمودم که فقیر و بینوائی پیدا کنم تا از این اموال آنها را بی نیاز سازم» بینوائی در آنسامان نیافتم» (۱)

بنابراین بایک مقایسه اجمالی بین تاریخ زمان عمر بن عبدالعزیز که در حدود ۱۲ قرن قبل بوده و عصر طلایی ما؛ علت ریشه کن شدن فقر و بیکاری در آنزمان و گسترش و توسعه بیکاری و فقر در این زمان بخوبی روشن خواهد شد.

وظیفه دولت اسلامی

اگر قوانین اقتصادی و مالی اسلام مانند عصر مادربوته تعطیل و نسیان قرار بگیرد؛ و اختلاف شدیدی طبقاتی در جامعه‌ها پدید آید، وعده‌ای همه‌گونه وسائل زندگی را دارا وعده‌ای هم از لوازم اولیه زندگی محروم باشند و در چنین اجتماعی با آنکه طبقه محروم حاضر باشند هر نوع کاریکه پیش آید انجام دهند و عامله خود را از آنرا آبرو مندانه اداره کنند؛ و متأسفانه کاری برای آنها پیدا نشود (با اینکه با رعایت قوانین درخشان اسلامی هرگز چنین وضعی پیش نخواهد آمد) آیا در اینگونه موارد اسلام برای بینوایان و بیکاران چه فکری کرده و چگونه آنها و بینوایان دیگر را که بمثل خارج از آزاده انسان؛ وسائل امرار معاش را از دست داده‌اند، مورد حمایت قرار داده است؟

شکی نیست که دولت اسلامی (اگر بوجود بیاید) طبق اختیار اینکه اسلام باو داده است، بایستی در مرتبه نخست؛ باینگونه اختلاف طبقاتی خاتمه دهد و با گرفتن حقوق واجبه از قبیل خمس و زکوة و غیره از طبقه مرفه و دادن آنها طبقه محروم؛ تا حد امکان این شکاف عمیق را پر کند؛ آنوقت چنانچه افراد بینوا و بیکاری در اجتماع باقی مانده، دولت اسلامی طبق مقتضیات زمان و مکان بایستی یکی از کارهای زیر را انجام دهد:

۱ - کارخان یا مؤسساتی راه بیاندازد و آننده بیکار را که قدرت بر کار کردن دارند در آنهاجا بکار و ادار سازد.

۲ - سرمایه ای از بیت المال با آنها بدهد که بدانوسیله شروع بکسب و کار کرده ، نیازمندیهای خود را رفع نمایند (۱)

چنانکه در تاریخ زندگانی پیغمبر اسلام نظیر اینگونه کارها را میخوانیم: روزی مردی خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسید و از آنحضرت برای اعاشه خود ، کمکی درخواست نمود ، پیغمبر چون او را قادر بر کار یافت ، تبر و ریشمانی باو داد و فرمود : دبرو با این تبر هیزم بکن و با این ریشمان آنرا ببند و در بازار بصرف فروش برسان و از اینراه معیشت خود را آبرومندانه تأمین نما و نتیجه کارت را نیز بمن خبر بده» ممکن است آنها یکیک تمام کارها را تنها از دریچه اوضاع قرن بیستم مطالعه میکنند این عمل رایج موضوع فردی و خصوصی بدانند و گمان کنند که اینموضوع مخصوصاً از اینجهت که مورد اینحکم یک تبر و یک ریشمان و یک مرد بیش نیست ، نمیتواند میزان و ملاک کار باشد؛ در صورتیکه در دنیای قرن بیستم امور زندگی بر اساس کارخانه های عظیم و ملیونها کارگر استوار است و بشریت دارای دولتهای منظمی است که در عین آنکه دارای متخصصین بسیار است ملیونها کارگر بیکار نیز سرگردانند .

ولی بدیهی است که این پندار بسیار ساده و بی اساس است ، زیرا از یکطرف پیغمبر اینمعنی شایسته نبود که در آنزمان سخن از کارخانه بمیان آورد و در قرن قبل از پدید آمدن آن، قوانین و نظامات برای آن تدوین و تنظیم نماید و هر گاه چنین کاری میکرد ، احدی معنی و مفهوم آنرا نمیفهمید ؛ بلکه تنها کاری که در خور وظیفه او بوده اینست که پایه های اساسی و عمومی قانون را در این باره تأسیس کند و دانشمندان هر قوم و عصر را برای استنباط تطبیقات مناسب و موافق با عصر ؛ در حدود آن پایه های اساسی مختار و آزاد بگذارد .

و در داستانیکه از آنحضرت نقل کردیم شالوده اساسی و عمومی این وظیفه طرح شده است زیرا پیغمبر که رئیس دولت است بنا با اقتضای عصر و محیط برای شخص بیکاری کار بوجود آورده است و مخصوصاً از او خواسته است که بار دیگر باز آید و نتیجه عمل خود را گزارش دهد تا مسئولیتی که پیغمبر در برابر آن شخص داشته کاملاً رعایت شده باشد و این مسئولیت همان موضوع مهمی است که تازه ترین نظریات سیاسی و اجتماع بدان پی برده است (۲)

۳- در صورتیکه هیچکدام از راه های یاد شده ممکن و میسر نباشد و یا بینوایان در اثر بیماری، نقص اعضاء؛ بیوگی پیری و مرض قادر بر کار کردن نباشند، دولت اسلامی موظف است

(۱) البته اینصورت را نیز میتوان از مصارف زکوة بشمار آورد زیرا از جمله مصارف هشنگانه زکوة «فی سبیل الله» است و آن عبارت از مصالح مسلمین است که تشکیل بیمارستانها دبستانها ؛ دبیرستانها ، دانشگاهها ، نظامات جنگی ؛ کارخانه ها ، مؤسسات عام المنفعه ؛ پلها و نظائر اینگونه چیزها را میتوان از زمره «فی سبیل الله» و مصالح مسلمین بشمار آورد برای تصدیق اینمطلب لازم است بکتاب فقهی از قبیل: جواهر ؛ شرایع و شرح لعمه مراجعه شود . (۲) از ص ۹۴ کتاب شبهات حول الاسلام ترجمه و اقتباس شده است.

از طریق بیت‌المال ، حوائج و نیازمندیهای آنان را با رعایت احترام و آبروی آنان بر آورد و زندگیشان را منظم و مرفه سازد . تا جائیکه تاریخ اسلام نشان میدهد این حکم حتی شامل حال کفاری که در پناه اسلام زیست میکردند همیشه است (۱)

وظیفهٔ ملت چیست ؟

صرف نظر از اینکه قانوناً دولت موظف است از بینوایان و بیکاران نگهداری و حمایت نماید؛ جمیع مسلمانان نیز از نظر قانونی و اخلاقی وظیفه دارند از افراد بیکار و بینوا حمایت کنند و با دادن سرمایه بآنها و فراهم کردن وسائل کار ، آنها را از پزیشانی نجات دهند زیرا بنا بر فرمایش رسول اکرم (ص): **دتری المؤمنین فی تراحمهم و توادهم و تعاطفهم** که مثل **الجسد اذا اشتكى عضو اتداعی له سائر جسده بالمهر والحمی** (۲) یعنی مؤمنان از لحاظ عاطفه و مودت و پیوستگی بیکدیگر مانند یک پیکر میباشند

چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

اسلام معتقد است: تمام افراد اجتماع نسبت بیکدیگر مسئولیت متقابل دارند **و کلکم مسئول عن رعیتہ**، (۳) یعنی همه شما نسبت بیکدیگر وظیفه چوپانی دارید و نسبت بزیر دست خود دارای مسئولیت هستید .

پیغمبر اسلام (ص) فرمود: **من أصبح ولا یهتم بامور المسلمین فلیس منهم و من سمع رجلا ینادی یا له مسلمین فام یجبه فلیس بمسلم**، یعنی: کسیکه روزی بر او بگذرد و اهتمام بامور مسلمین نداشته باشد از آنها نیست و کسی هم که صدای استرحام کسی را بشنود و پاسخ مثبت بآو ندهد مسلمان نیست (۴) در کتب روایت و فقه مسائل و متفرعات کثیره ای در این زمینه موجود است که تدوین و تذکره آنها خود نیازمند بتالیف کتاب جدا گانه است .

بنابر این اسلام ، مقرر میدارد که هر فردی مکلف است در رفاه و آسایش هموعان خود بکوشد چنانکه قرآن مجید هم با صدای رسا اعلان میکند که: **ان الله یامر بالعدل والاحسان** (۴) **لئن تمالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون**، (۵)

این روح بگانه‌گی و الفت؛ و بالاخره این وحدت و همبستگی که اسلام میان افراد یک جامعه اسلامی بر قرار کرده و وظائف قانونی و اخلاقی که برای دولت و ملت در حمایت از بینوا و بیکار ، تعیین نموده همه اینها بخوبی نشان میدهند که اسلام ؛ در قرن قبل از پدید آمدن سازمان ملل متحد و منشور ملل و اعلامیه حقوق بشر ، بطور بی سابقه‌ویی نظیری از بینوایان و بیکاران حمایت کرده ، طبقه کارگر و رنجبر را در کنف حمایت و لطف عمیم خود قرار داده از آنها طرفداری و جانبداری مجدانه‌ای نموده است .

(۱) **العدالة الاجتماعية فی الاسلام** (عدالت اجتماعی در اسلام) ص ۱۷۷ (۲) **مصادقة الاخوان** مرحوم صدوق ص ۳۰ و **نهج الفصاحة** ص ۲۲۸ (۳) **نقل از السلام العالمی والاسلام** (اسلام و صلح جهانی) ص ۱۰۱

(۴) **خدا امر بعدالت و نیکوکاری و احسان میکند (نحل آیه ۹۱) (۵) بحقیقت نیکو- کاری نائل نمی‌شوید مگر از آنچه که دوست دارید در راه خدا به نیازمندان به بخشید (آل عمران ۹۲)**